

با چشم‌هایم می‌اندیشم

تاثیر تصویری رابرت ویلسن

www.ketab.ir

نوشته

رضا شیرمرز

سرشناسه: شیرمرز، رضا، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: با چشم‌هایم می‌اندیشم: تئاتر تصویری رابرت ویلسن / نوشته رضا شیرمرز
 مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری: ۵۰۹: مصور
 فروست: سلسله انتشارات - ۱۸۰۱، تئاتر و ادبیات نمایشی - ۳۵۸، تئاتر و قلم
 شابک: ۲۴ -
 وضعیت فهرست‌نویسی: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۲۰-۵
 یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است.
 شماره‌ی کتابشناسی: ۳۸۰۸۴۹۸

ISBN: 978-600-119-820-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۸۲۰-۵



با چشم‌هایم می‌اندیشم

نوشته رضا شیرمرز

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰۰۰ تومان

استفاده از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخ‌نظر (ششم)، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

دورنگار: ۸۸۹۶ ۸۹۹۶

۸۸۹۷ ۳۲۵۱-۳

صندوق پستی: ۵۱۶۵-۱۴۱۵۵

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

یادداشت مؤلف	۹
مقدمه‌ای بر تئاتر تصویری	۱۳
زندگی و زمانه باب ویلسن	۲۳
ویلسن، کارگردان مؤلف	۷۷
ویلسن و متون نمایشی	۱۳۵
زیبایی‌شناسی تئاتر رابرت ویلسن	۲۴۱
ویلسن از منظر همکارانش	۲۵۳
ویلسن و دیوید لینچ	۳۷۱
گاه‌شمار آثار ویلسن	۳۸۱
ویلسن به روایت تصویر	۳۸۵
منابع	۴۹۷

یادداشت مؤلف

صادقانه بگویم، نخستین مسئله‌ای که در نگارش این کتاب با آن روبرو بوده‌ام این است که دربارهٔ رابرت ویلسن، سخت می‌توان چیزی گفت و نوشت، چون او تهران قانون‌شکنی و سنت‌گریزی است و برای تو خط‌کشی باقی نمی‌گذارد تا بتوانی با آن آثارش را اندازه‌گیری و در چارچوبی زیبایی‌شناسانه تحلیل‌شان کنی، حال آن‌که ویلسن هنرمندی است به‌غایت دیدنی و شنیدنی. اگر با چشمانت بیندیشی و توان سخن‌ورزی با دیدگانت را داشته باشی، یار غار ویلسن هستی و همین توان کمیاب در عرصهٔ تئاتر ایران‌زمین و امید به باروری آن دم‌به‌دم مرا به نگارش این کتاب رهنمون شد، علی‌رغم منابع اندک دربارهٔ تئاتر تصویری این هنرمند تجربه‌گرا و آوانگارد.

این کتاب، هرگز ادعای آن را ندارد که تمام پیکرهٔ هنری ویلسن

را کالبد می‌شکافد و زوایای متنوع فعالیت‌های هنری او را روشن می‌سازد. ویلسن، کارگردان، طراح حرکات موزون، بازیگر، نقاش، مجسمه‌ساز، هنرمند ویدیو آرت، طراح صدا، طراح نور، گرافیکست و طراح دکوراسیون داخلی است و اگرچه تئاترش، ترکیبی است از همه تخصص‌هایی که طی سالیان متمادی آموخته، به باور من، نقد و درکِ هر یک از آن‌ها نیازمند کتابی مجزا و جستاری دیگرگونه است. به دلیل همین ویژگی چندبعدی بودن، ویلسن با هنرمندانی از طیف‌ها و ژانرهای گوناگون همکاری داشته و این همکاری‌های مستمر و سرشار از خلاقیت، پژوهش و تأمل در آثار او را بسی دشوار می‌سازد.

نکته دیگر این‌که تئاتر قراردادی و تئاتر آوانگارد حتا اگر مکمل یکدیگر نباشند... که احتمالاً هستند... تا امروز به موازات و پابه‌پای یکدیگر پیش رفته‌اند و دریچه‌های نوینی را پیش روی تئاتری‌ها و مخاطبان‌شان گشوده‌اند. مصالح اصلی آوانگاردیسم، سنت است و این هیولای خلاق، پتک به دست، پی چارچوبی و قاعده‌ای می‌گردد تا بشکندش بی‌امان و از نو بسازدش، آزادانه و فارغ از قیود. بنابراین، اگر برآنیم تا پژوهش در حیطه جریان‌های تئاتر جهان را کمی جدی‌تر بگیریم، به هر یک از این دو که تعلق‌خاطر داریم، نباید از تفحص و شناخت دیگری به‌راسیم و بگریزیم و انکارش کنیم، چه این‌ها مادر و فرزندی هستند که از یکدیگر تغذیه می‌کنند و هر دو در حال رشد و دگرپسندی‌اند.

شاید این کتاب، نخستین گام من، در جهت فهم تئاتر پیشرو محسوب شود، تئاتری که نه تنها تهدیدی برای تئاتر قراردادی نیست، که به باروری و نوآوری در آن یاری می‌رساند. امید که

هنرمندان، پژوهشگران و اساتید محترم، معایب این نخستین گام را
به نگارنده متذکر شوند تا در گام‌های بعدی آویزه گوش کند. از
جناب آقای مهندس فیاضی و شرکت نشر قطره هم سپاسگزارم که
به چاپ و انتشار این کتاب همت گمارد.

رضا شیرمرز

یازدهم بهمن ۱۳۹۳

آتن

www.ketab.ir

مقدمه‌ای بر تئاتر تصویری

بی‌تردید تئاتر آوانگارد به یکی از مهم‌ترین و پویاترین کانون‌های خلاقیت نمایشی امروز در دنیای غرب تبدیل شده است. علی‌رغم دشواری‌های بی‌شمار، از جمله مقاومت هنرمندان کلاسیک و مخاطبان آن‌ها، تئاتر پیشرو توانست به همت گروهی از هنرمندان رویین‌تن و خلاق به تدریج مخاطب گسترده‌ای را با خود همراه کند و تحت تأثیر قرار بدهد. گروه‌های تجربی دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، توانستند معیارهای سنتی تئاتر را به یاری روش‌های نوین بازیگری، نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی بشکنند و «علی‌رغم حذف دیالوگ از پدیدارِ درام، رابطه‌ای پویا و عمیق، میان تماشاگران و صحنه برقرار کنند. هنر تئاتر به فرایند خلقِ گروهی با تکیه بر خرد

جمعی تبدیل شد.^۱ طی این جریان تئاتری، زیرساخت ادبی تئاتر، جایش را به زیرساخت اجرایی داد و یکی از مهم‌ترین عوامل این تحول بنیادین، محوریت تصویر و صدا بود: «...تئاتر نوین، شورشی فرهنگی است در برابر حاکمیت واژه و می‌توان آن را تئاتر پس‌ادبی خواند.»^۲

تئاتر نوین که محوریت را از زبان گرفت و به تصویر داد، بالاخص در آمریکا، درواقع از سه هنرمند، ریچارد فُرمَن، رابرت ویلسن و لی بروئر و فعالیت‌های بی‌وقفه آن‌ها ریشه گرفته است. «آثار فُرمَن، ویلسن و بروئر، نقطه اوج جنبش آوانگارد در تئاتر آمریکا است که از تئاتر محیطی، تئاتر فضای باز، پرفُرمَنس، پروژه مَنهَن، تئاتر آزمایشگاهی آیوا، گروه میم سانفرانسیسکو و تئاتر نان و عروسک منشعب شده و در کارگاه تصویر محور میخایل کِربی و آثار هنرمندان جوان‌تر مانند نمایش نقطه ساکنیت، اثر اسپالدین گری و الیزابت لاکومپت و نمایش مناظر، اثر استوارت شیرمن بقا یافته است.»^۳ هنرمندان این دوران گذار، دیالوگ به معنای سنتی را از کار خود حذف کردند، کاربرد واژه را به حداقل رساندند و تصویرسازی بصری، صوتی و واژگانی را به جای کلام نشانند.

محوریت تصویرسازی در تئاتر، ساختمان قراردادی نمایش را که بر پایه پی‌رنگ، شخصیت، صحنه‌پردازی، زبان و حرکت بنا شده بود اساسن دگرگون کرد و بازیگران را از نقش بازی کردن بر حذر

۱. تئاتر تصویری، بانی مارانکا، انتشارات دانشگاه جانز هاپکینز، بالتیمور و لندن، ۱۹۹۶، صفحه ۲.

۲. همان کتاب، به نقل از ریچارد گیتلنز، از کتاب *تئاتر اختلاط ابزاری*، نشر پرس، ۱۹۶۸، صفحه ۳۳.

۳. همان کتاب، صفحه ۳.

داشت. «در تئاتر تصویری، بازیگران به واسطه‌ها، کدها و تصاویری تبدیل می‌شوند که ناقل ایده‌های نمایشنامه‌نویسند و متن، نه تنها صرفن یک پیش‌فرض است، بلکه نوشته‌ای است که بدون اجرا قابل فهم نیست. به همین دلیل بدون تعمق و تفحص در جوانب مختلف اجرا در مورد آثار هنرمندانی مانند فُرمَن و ویلسن نمی‌توان سخن گفت.»^۱ آثار این گروه از هنرمندان، برای فهمیده شدن باید دیده شوند و به شکل دیداری مورد مطالعه قرار بگیرند. مطالعه یکی از نسخه‌های مکتوب رابرت ویلسن، مثلن نامه‌ای به ملکه ویکتوریا برای خواننده جز ابهام و گیجی درباره پی‌رنگ، شخصیت، داستان، ژانر و ساختار زبانی، هیچ ثمر دیگری نخواهد داشت. تئاتر دیدن، تجربه‌ای است متمایز و منفک از خوانش متن دراماتیک، اگرچه این دو رکن اساسی تئاتر، مکمل یکدیگر نیز هستند.

تئاتر تصویری، به لحاظ زیبایی‌شناسی، بر پایه‌های هنرهای دیگر بنا شده و درعین حال به عملکرد جنبش‌های پیشین، نظری خلاقانه می‌افکند و همین سنت‌گرایی سنت‌شکنانه، خط تمایزی می‌کشد میان این پدیدار صحنه‌ای و سایر رویدادهای پیش روی نمایشی. برای تئاتر آوانگارد، گذشته، مواد و مصالحی است برای خلق دیالوگ.

آثار فُرمَن، تحت تأثیر برشت است و می‌توان فُرمَن را به نوعی نمونه رادیکال برشت تلقی کرد، بروثر به ترکیب تئوری‌های بازیگری استانیسلاوسکی، برشت و گروتفسکی دست زد و اجراهای ویلسن، از واگنر سرچشمه می‌گیرد، اگرچه مفاهیم مربوط

به فضا، زمان و زبان، در تئاتر این هنرمندان، ماهیتی غیر تئاتری به خود گرفته‌اند. زیبایی‌شناسی جان کیچ، طراحی نوین حرکات موزون، رویدادهای فرهنگی و مردمی، نقاشی، مجسمه‌سازی و سینما در شکل‌گیری تئاتر تصویری، دخالت مستقیم داشته‌اند. حتی می‌توان گفت که تئاتر ویلسن، جایی میان کیچ و بکت ایستاده است. البته قابل ذکر این‌که جوامع تکنولوژیک، مانند ایالات متحده آمریکا نیز روند شکل‌گیری این گونه تئاتری وابسته به فن‌آوری تصویری و صوتی را تسریع کرده‌اند.

تئاتر ویلسن، منحصربه‌فرد است و ریشه از تاریخ تئاتر و پرفرمنس می‌گیرد. برای فهم جایگاه رابرت ویلسن در تاریخ تئاتر و نوآوری‌های جسورانه او باید سنت‌های پیش از ویلسن را خوب هضم و جذب کرد. او در تئاتر معاصر به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است و صعود به چنین قله‌ای را مدیون هنرمندانی است که پله‌های ترقی را برای او مهیا کردند. اگرچه او هنرمندی اصیل است و «هنرمندان اصیل و بزرگ، چنین شخصیت هنری برجسته‌ای را به تأثیر از هنرمندان پیشین به ثبت می‌رسانند.» یکی از این هنرمندان، ریشارد واگنر است که تئوری‌های او بر تئاتر ویلسن، تأثیر به‌سزایی گذارده است.